

بانکداری اسلامی، چالش‌ها و ریسک‌ها

محمدحسن حقی
عضو انجمن حسابداران خبره ایران

همچنین باید توجه داشت که بعضی از فعالیت‌ها از نظر اسلام جزء مکاسب محرمة هستند و بعضی حلال شمرده شده و مورد تایید دین مبین اسلام قرار گرفته‌اند بدین صورت که نباید در فعالیت‌های غیراسلامی سرمایه‌گذاری و همچنین از طریق غیراسلامی تامین مالی نمود.

چنین اصول و چارچوب‌هایی موجب گردیده تا مسلمانان تحقق نیازهای خود را در نظامی غیر از نظام مالی سنتی جستجو نمایند و شیوه‌های مورد تایید شرع را مطالعه و مورد توجه قرار دهند از این رو بسیاری از کشورهای اسلامی بانکداری بدون ربا را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

اصول حاکم بر سیستم بانکداری اسلامی:

بانک‌های اسلامی نه تنها برای مسلمانان که ربا را حرام می‌دانند جالب بوده است، بلکه برای غیرمسلمانان هم جذابیت خاص پیدا کرده است؛ چرا که بر خلاف بانک‌های معمولی که تمام ضررهای مالی را به عهده وام‌گیرنده می‌گذارد، بانک اسلامی سهمی از این ضرر و زیان را خود تقبل می‌کند.

مشارکت در سود و زیان:

بر خلاف بانک‌های معمولی که اساساً در اعطای تسهیلات آنها یک قرض‌دهنده و یک قرض‌گیرنده وجود دارد، بانک اسلامی از یک طرف، شریک سپرده‌گذار و از سوی دیگر شریک صاحب‌کار اقتصادی به شمار می‌رود و با نظارتی که اعمال می‌شود، وجوه سپرده‌گذاران در فعالیت‌های اقتصادی را به کار می‌گیرد تا تامین‌کنندگان سرمایه، سرمایه‌گذار محسوب شده و کارآفرین و

بیش از سی سال از تاسیس اولین بانک‌های بدون ربا در کشورهای مسلمان می‌گذرد، در این مدت این بانک‌ها از جهت کمی و کیفی توسعه قابل توجهی داشته‌اند، به طوری که هم اکنون در کشورهای اسلامی و حتی در برخی از کشورهای غیرمسلمان الگوهای مختلفی از بانک‌های بدون ربا را اجرا می‌نمایند، بانک‌های بدون ربا گرچه در جهت حذف ربا از عملیات بانکی مشترک می‌باشند اما از جهت انتخاب الگوی عملیات بانکی و انتخاب عقود و روش‌های معاملاتی متفاوت می‌باشند، ربا عملی است که در قرآن کریم به صراحت تحریم شده است در اصطلاح فقها معمولاً ربا چنین تعریف شده است:

معاوضه مالی به مالی دیگر که این دو اولاً همجنس باشند ثانیاً با کیل یا وزن اندازه‌گیری شوند ثالثاً قرض دادن به شرط زیاده و یا اینکه قید معاوضه ذکر شده باشد تا شامل همه معاملات و معاوضات شود و اعم از بیع باشد. موضوع ربا بین محققان و اندیشمندان اسلامی بسیار مورد بحث قرار گرفته است. وقتی که بین دو نفر مبادله می‌شود، هیچ یک از طرفین نباید بدون ایجاد ارزش افزوده طلب منفعتی نمایند.

لذا مبادله پول به پول زمانی شرعی و قانونی است که بدون هیچ مبلغ اضافی صورت گیرد. در واقع در قانون اسلام درآمد زمانی معتبر است که حاصل کار، معامله، ارث، تجارت و هدیه باشد. از طرف دیگر، در سیستم ربوی، کارکرد عملی پول اهمیتی ندارد و در چنین سیستمی چنانچه استفاده از پول در چرخه اقتصاد منجر به زیان گردد بهره ثابت باید پرداخت شود و این غیرشرعی و حرام است.

◆ بانک‌های بدون ربا گرچه در جهت حذف ربا از عملیات بانکی مشترک می‌باشند اما از جهت انتخاب الگوی عملیات بانکی و انتخاب عقود و روش‌های معاملاتی متفاوت می‌باشند

سرمایه‌گذار اگر بخواهند در سود سهیم باشند، باید در خطر تجاری هم شریک شوند. در صورتی که اساس کار در سیستم ربوی، عملکرد واقعی موسسه اقتصادی مورد توجه قرار نمی‌گیرد. در این سیستم نرخ بهره به صورت تثبیتی بوده و نوع فعالیت ملاک نمی‌باشد، بنابراین همواره امکان زیان‌وام‌گیرنده وجود دارد که در این صورت تزییع حقوق وام‌گیرنده به وقوع خواهد پیوست اما در سیستم مشارکت به علت سهیم بودن در سود و زیان، درآمد یا زیان بین شرکا یا سهامداران به نسبت مشارکت آنان تسهیم می‌شود. در واقع دیدگاه سیستم مالی اسلامی این است که پول تنها وسیله مبادله می‌باشد پول در واقع وسیله‌ای است که می‌توان ارزش اشیا را اندازه‌گیری نمود، ولی پول به خودی خود هیچ ارزش ندارد.

براین اساس پول به خودی خود قدرت زاینده‌گی ندارد در حالی که در سیستم ربوی، پرداخت بهره ثابت به وسیله بانک یا موسسه مالی ایجاد نوعی زاینده‌گی برای پول است. اقتصاددانان اسلامی پول را به عنوان سرمایه بالقوه مدنظر قرار می‌دهند و پول زمانی به سرمایه واقعی تبدیل می‌شود که سرمایه‌گذاری شود و وارد جریان اقتصادی گردد.

از طرفی قرارداد مشارکتی همانند سرمایه‌گذاری مشترک، سرمایه‌گذار و کارآفرین به نسبت‌های مختلف در سرمایه شریک می‌شوند و با هم توافق می‌کنند که ریسک و بازده حاصل از مشارکت را به نسبت از پیش تعیین شده بین خود تقسیم کنند فرایند مزبور ایجاب می‌کند که بانک با به کارگیری ساز و کارهای لازم و نیروی متخصص نظارت و کنترل دقیق و موثر در تمام مراحل اجرا و بهره‌برداری از حقوق بانک و سپرده‌گذاران دفاع کند از آنجایی که بانک به شریک اذن تصرف در سرمایه را برای انجام فعالیت‌های اقتصادی می‌دهد و شریک شخصاً برای تحصیل سود در فعالیت اقتصادی شرکت می‌کند همچنین تعداد زیاد این قراردادها ممکن است باعث گردد تا نظارت بانک جهت اطمینان از تحصیل میزان سود یا زیان حاصله دقیق نباشد و ناچار شود در قرارداد مشارکت مدنی بر خلاف ماهیت آن از سود معین استفاده نماید. قراردادهای مشارکتی نیز همانند قراردادهای مبادله‌ای یا مالکیتی با ریسک‌های ویژه خود مواجهند.

در بانکداری متعارف، تسهیلات اعطایی همه بر اساس قرارداد قرض با بهره معین است و بانک در مقابل آن وثیقه می‌گیرد. قراردادهای مبادله‌ای در بانکداری بدون ربا همین ویژگی را دارند، یعنی قرارداد با نرخ‌های سود معین منعقد و در مقابل آن وثیقه دریافت می‌شود. اما در قراردادهای مشارکتی، اولاً نرخ سود نامعین است و ثانیاً به جهت رابطه‌ای شراکتی بانک با گیرنده تسهیلات، وثیقه معنا ندارد و بانک همانند او صاحب پروژه و سرمایه‌گذار در پروژه به شمار می‌رود و این باعث می‌شود که ریسک بانکداری بدون ربا از دو جهت دیگر افزایش یابد. در واقع همواره، احتمال این وجود دارد که طرح مورد سرمایه‌گذاری به موقع به سوددهی نرسد، یا آن گونه که

انتظار داشتند، سوددهی نداشته باشد.

هر یک از این حالات، بانک را با مشکلات عدیده مواجه خواهد کرد. افزون بر این، این احتمال وجود دارد که استفاده‌کننده از تسهیلات مشارکتی (عامل یا شریک) سود واقعی را گزارش نداده، حتی ادعای خسارت کرده، برای اثبات آن پرونده‌سازی کند که از آن به مخاطره (ریسک) اخلاقی تعبیر می‌کنند.



اگر بانک بخواهد این دو ریسک را به درستی مدیریت کند، ناگزیر باید در انتخاب طرح‌ها و پیشبرد آنها تا مرحله بهره‌برداری و بعد از آن، از طریق کارشناسان با تجربه نظارت و کنترل کند که این امر به صورت طبیعی برای بانک‌های تجاری غیرممکن است و اگر بانک بخواهد در عرصه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری به تناسب، کارشناس خبره استخدام کند، هزینه عملیات اعتباری به شدت افزایش می‌یابد و هزینه تمام شده سرمایه در بانکداری بدون ربا بیشتر می‌شود چنین خطراتی را بانکداری سنتی تحمل نمی‌کند بلکه با انتقال آن، گیرنده تسهیلات این قبیل ریسک‌ها را متحمل می‌نماید.

عقد یا قرارداد فقهی بخشی از اجزا پرتفولیو بانک را تشکیل می‌دهد و به تناسب از درجه‌ای از ریسک برخوردار است. آن گونه که قبلاً گفته شد، مجموع عقود قابل استفاده در عملیات بانکی را می‌توان در قالب چهار دسته کلی شناسایی نمود.

عقود مشارکتی در این میان از بالاترین ریسک و البته بیشترین بازدهی برخوردارند و در مقابل عقود مبادله‌ای دارای ریسک نسبی پایین‌تری هستند، بنابراین ترتیب طیفی از عقود مختلف با ریسک‌های متفاوت را می‌توان درجه‌بندی و مرتب نمود.

انعقاد قراردادهای اسلامی به دلیل ضوابط و موازین شرعی حاکم بر آنها، علاوه بر مقررات بانکی، بسیار پیچیده‌تر و مشکل‌تر از انعقاد قراردادهای مشابه در بانکداری سنتی است. در انعقاد این گونه قرارداد، اشراف به مسایل شرعی، حقوقی و تخصصی سطح بالا ضرورت دارد. اشتباهات و خطاهای قراردادی ممکن است موجب شود که در صورت لزوم قراردادهای مذکور در محاکم قضایی به دلیل عدم تبعیت آنها از موازین شرعی مفاد قرارداد



باطل اعلام و منافع بانک با خطر مواجه شود.

در حقیقت بانک اسلامی به واسطه تجهیز و مصرف منابع، به شکل مالکیتی، خود را با مجموعه‌ای از ریسک‌های مربوط به معامله کالا از جمله ریسک‌های بازار و ریسک اعتباری، ناشی از عملیات اعتباری «مالکیتی» درگیر می‌سازد که این اتفاق به طور انحصاری در بانک‌های اسلامی دیده می‌شود. در حالی که برعکس در بانکداری سنتی مصرف و تجهیز منابع به صورت «وام» شکل می‌گیرد. بدیهی است که ریسک «سرمایه مالکیتی» در مقام مقایسه با ریسک «وام» بیشتر است.

انواع ریسک‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی:

ریسک‌های متعدد و متنوعی برای بانک‌های اسلامی وجود دارد که پوشش و پیشگیری و کاهش آن بسیار مشکل است بانک اسلامی ممکن است تخصص و نیرو انسانی لازم را در این موارد نداشته باشد در حالی که چنین ریسک‌هایی در بانکداری سنتی به دلیل انتقال آن به گیرنده تسهیلات برای بانک بوجود نمی‌آید در ذیل چند موارد از ریسک‌هایی که در بانکداری اسلامی با شدت بالاتری به بانکداری سنتی وجود دارد اشاره می‌گردد.

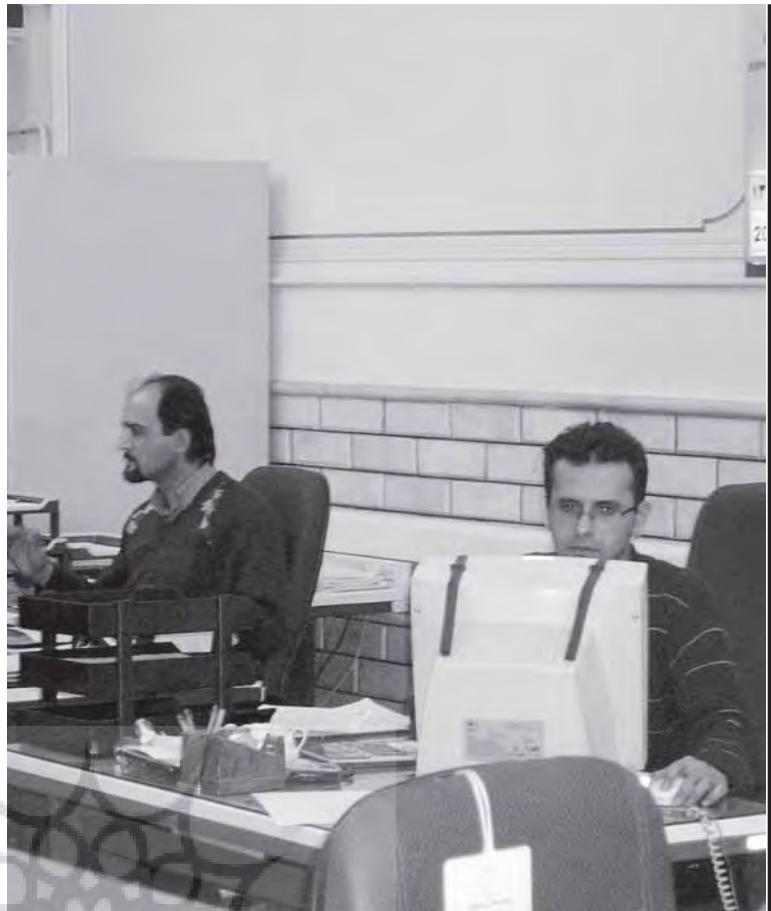
۱- در بانکداری اسلامی عمل دریافت سپرده‌ها و پرداخت تسهیلات همواره میزان سودی به عنوان علی‌الحساب برای سپرده‌ها برآورد و پرداخت می‌گردد، اگر برنامه پیش‌بینی شده اعطای تسهیلات به علت متغیر بودن نرخ سود بازدهی مورد انتظار را ندهد می‌بایستی بانک این اختیار را داشته باشد.

در زمان دلخواه سپرده‌گذاران را فراخوان کرده و سپرده‌ها را واگذار نماید در غیر این صورت از حق خود صرف‌نظر کرده و متقبل هزینه می‌شود و در واقع ریسک

ناشی از عدم تطبیق از پرداخت علی‌الحساب سود سپرده و عدم بازده مورد انتظار در تسهیلات با نرخ متغیر به بانک تحمیل می‌شود ولی در بانکداری سنتی به علت معین بودن نرخ سود این نگرانی وجود ندارد ضمناً این اختیار را هم دارد که با خرید ابزارهای مالی با سود معین از سایر بازارهای مالی اقدام نماید. در واقع در بانکداری اسلامی الگوی جریان سپرده‌ها و جذب منابع با پرداخت تسهیلات با نرخ متغیر ممکن است تغییر کند و بانک قادر نباشد استراتژی را آن طور که می‌خواهد به کار گیرد و لاجرم مجبور به پذیرفتن با بازده کمتر باشد.

۲- ریسک نرخ بهره در بانکداری اسلامی در گروه انواع دارایی‌ها و بدهی‌ها در ترازنامه به دلیل متغیر بودن سود در انواع تسهیلات اعطایی و نیز سپرده‌ها به سادگی قابل محاسبه نیست در نتیجه راه‌های مقابله با آن نیز مشکل می‌شود از طرفی تنوع زیاد عقود در بانکداری اسلامی موجب پیچیدگی عملیات بانکی و در نتیجه افزایش ریسک عملیاتی را به دنبال دارد که در این خصوص آموزش کارکنان، تفهیم مشتری و نیز توجه به برقراری سیستم کنترل‌های داخلی ضروری می‌باشد.

۳- لزوم توجه به نسبت بالای کفایت سرمایه در بانکداری اسلامی که یکی از دلایل آن متغیر بودن نرخ سود و نیز در بانک‌های تخصصی هم به دلیل وجود ریسک‌های موجود در ذات صادرات از این رو ضرورت آن دو چندان می‌کند به همین خاطر داشتن سرمایه لازم و کافی برای مقابله با ضررهای احتمالی که در بانکداری اسلامی ضرورت بیشتری پیدا می‌کند بخصوص مقابله با ریسک متغیر بودن سود تسهیلات، به عنوان مثال در قرارداد سلف برای تامین نقدینگی واحد تولیدی و اقتصادی بخشی



نقدینگی نمی تواند وام اعطایی قرض الحسنه را یکجا از مشتری دین حال نماید از آنجایی که برای این وام، بانک سودی محاسبه نمی نماید لیکن به ناچار منابع اعطایی به منابعی متصل می شود که بانک بابت آن سود پرداخت می کند.

به طور کلی: بالا بودن ریسک عملیاتی در بانکداری اسلامی با لحاظ استفاده از تنوع انواع عقود و متغیر بودن نرخ سود و همچنین آسیب پذیری شدید در مقابل متغیرهای اقتصادی و نیز نوسانات نرخ های مختلف در بازار به ویژه نرخ تورم، نرخ ارز، نرخ سود، پیش بینی ارزش دارایی ها و بدهی ها، درآمدها و هزینه های ناشی از آن را تحت تاثیر قرار می دهد. برای مثال افزایش حداقل نرخ سود مورد انتظار در بازار موجب افزایش نرخ سود مورد انتظار سپرده گذاران به ویژه در کوتاه مدت می گردد در مقابل آیا می توان سود حاصل از تسهیلات اعطایی را با توجه به مفاد قرارداد، نوع معاملات و شرایط اقتصادی را مطابق میل و انتظار تغییر دهیم؟ لذا در صورت عدم تحقق حداقل سود مورد انتظار سپرده گذاران در حال حاضر بانک ها این مابه التفاوت را از محل منابع خود تامین می نمایند.

نکته مهم اینکه تجهیز منابع و تخصیص آن به شکل تسهیلات و سرمایه گذاری و کسب سود مورد انتظار تصمیمات اصلی بانک را تشکیل می دهد. در این تصمیمات همواره دو سوال اصلی مطرح است.

اول آنکه تخصیص منابع به تسهیلات و سرمایه گذاری چه میزان ریسک برای بانک در برداشته و چه میزان سود عاید خواهد کرد و آیا میزان ریسک با ریسک مورد پذیرش بانک که بر اساس سیاست های کلی تعیین می شود هماهنگ است و ثانیاً با توجه به پیش بینی تغییرات نرخ سود در بازار و تاثیر آن بر حداقل سود مورد انتظار بانک، ترکیب و زمان بندی منابع و مصارف، با توجه به ترکیب و زمان بندی متفاوت دارایی ها و بدهی ها، چگونه باشد تا سود مورد انتظار بانک حاصل شود. چرا که با توجه به متغیر بودن عوامل فوق، حاشیه سود بانک تغییر خواهد کرد.

بطور کلی بانک های اسلامی با دو دسته ریسک مواجه هستند یکی از آنها ریسک مشترک با نظام متعارف بانکی و دیگری مختص نظام بانکداری اسلامی می باشد. اصلی ترین چالش در مدیریت ریسک در بانکداری اسلامی به ابعاد منحصر به فرد این نظام برمی گردد که عمدتاً ناشی از ماهیت عقود و قراردادهای مورد استفاده در آن می باشد، بنابراین باید برای این مهم راه حلی جستجو نمود که ضمن همگام بودن با ملا حظات دینی و خالی بودن از هر گونه بار ضد شرعی مدیریت ریسک را در نظام اسلامی یاری نماید به هر شکل اولین گام ایجاب می کند که در انجام خدمات بانکداری تخصصی اسلامی باید خود را تجهیز کنیم و یکی از مهمترین آنها توجه به حداکثر نسبت کفایت سرمایه می باشد، مجهز شدن به سرمایه کافی برای مقابله با ریسک های غیر منتظره در بانکداری اسلامی رکن مهمی از پشتوانه مالی هر بانک است. ■

از تولیدات آنها پیش خرید می شود حال اگر بانک نتواند کالای خریداری شده را به قیمت برابر یا بالاتر از قیمت خرید بفروشد متحمل زیان شده است. در حقیقت ریسک خرید کالای فوق را بانک پذیرفته و در اینجا ریسک یعنی محقق نشدن پیش بینی آینده فروش کالای مزبور.

کسانی که به قصد پس انداز سپرده گذاری می کنند بطور یقین می خواهند سودی دریافت کنند و آماده پذیرش ریسک نیستند برای پاسخگویی بالا به انتظارات جامعه و حفاظت از منابع عمومی در بانکداری اسلامی می بایستی نوع معاملات بانکی چه در زمینه جذب سپرده ها و چه در زمینه اعطای تسهیلات با اهداف و انگیزه های مشتریان و با توان اجرایی بانک متناسب باشد.

۴- در بانکداری سنتی بانک ممکن است یک وام را تامین نماید و در صورت نیاز به نقدینگی (مقابل با ریسک نقدینگی) آن را به طرف سوم بفروشد چرا که زمان و نرخ سود معین و به طور کلی قیمت وام مشخص است و این امر برای بانکداری اسلامی به جهت مقابله با ریسک نقدینگی و تبدیل سریع این دارایی به نقد به سهولت برای آن متقاضی فراهم نمی شود.

۵- در بانکداری اسلامی بخشی از منابع به اعطای وام قرض الحسنه اختصاص می یابد این در صورتی است که این بانک منابع قرض الحسنه را نیز جذب نموده و منابع جذب شده قرض الحسنه برای مشتری عندالمطالبه می باشد لیکن مشتریان می توانند منابع قرض الحسنه خود را در هر زمانی وصول نمایند ولی بانک در صورت نیاز به